پاسخ شهرداری منطقه ۲۲ به گزارش «شرق»

پس از گزارش دو هفته قبل «شـرق» در مورد معضل آب در منطقه ۲۲ و تأثیرات پروژه های شـهرداری تهرا ن از جملـه دریاچه چیتگر بر فضای سـبز این منطقه ، شـهرداری منطقه ۲۲ توضیحاتی را مرتبط با این گزارش به «شرق» ارسال کرد که عینا در ادامه این مطلب می آید.

بـا صلوات بر محمد و آل‌محمـد (ص)، احتراما، با توجه به مطلب انتقـادی منـدرج در شـماره ۲۶۹۷ صفحـه ۱۶ مـورخ ۱۳۹۵/۷/۱۳ درخصـوص «دریاچه چیتگر علیه پـارک چیتگر» جوابیه ذیل ارسـال می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات جوابیه مذکور در اسرع وقت در همان صفحه چاپ گردد.

نگارنده در راسـتای سه پهنه دریاچه شـهدای خلیج‌فارس، بوستان جنگلی چیتگر و باغ گیاه‌شناسی واقع در منطقه ۲۲ شهر تهران مطالبی را عنوان نموده‌اند و به‌نوعی آنها را به‌هم مرتبط دانسته‌اند، درصورتی‌که هریـک از عرصه‌های مذکور هـم به لحاظ کارکـردی و هم مدیریتی و بهره‌برداری مستقل می‌باشند و درخصوص دریاچه شهدای خلیج‌فارس کل حجم آبـی دریاچه حدود هفـت میلیون مترمکعب اسـت که در ابتـدای بهره‌برداری با هماهنگی سـازمان آب منطقه‌ای آبگیری انجام و متعاقب آن نیز تفاهم‌نامه‌ای با سـازمان مذکور منعقد که براسـاس آن سـالانه حدود دو میلیون مترمکعب آب دریاچـه تزریق می‌گردد و محـل تأمین آب دریاچـه رودخانه کن می‌باشـد کـه در فصول پرآب سـال (ماه‌های دی و بهمن و اسفند) و براسـاس تفاهم‌نامه با سازمان آب و با پرداخت آب‌بها مورد اسـتفاده قـرار می‌گیرد و در این‌خصوص هیچ‌گونه مشـکلی بین مدیریت شهری و سـازمان آب منطقه‌ای وجود نداشـته اسـت. با توجه به تزریق سـالانه حدود دو میلیون مترمکعب آب تـازه دریاچه و همچنین عملیات هوادهی آب و احداث تصفیه‌خانه اختصاصـی برای بازچرخانی آب دریاچـه و از طرفی کنترل کیفیت آب دریاچه به‌صورت مـداوم (هفتگی و ماهانه) که هم از نظر بهداشـتی و ملاحظات زیست‌محیطی و توسط مراجع ذی‌صلاح صورت می‌گیرد.

خوشـبختانه تاکنون هیچ مـوردی از آلودگی یـا وضعیت ماندابی گزارش نشـده اسـت. درخصوص بوسـتان چیتگر و از بدو تأسیس این بوسـتان (دهه‌های ۴۰ و ۵۰) تاکنون تأمین آب مجموعه مذکور به‌عهده سازمان آب منطقه‌ای بوده که از دو طریق انشعاب آب خام اختصاصی و تعدادی چاه با مجوز در محـل تأمین می‌گردد و ازآنجایی‌که مدیریت شـهری، نگهداری و بهره‌برداری از این بوسـتان را عهده‌دار می‌باشـد، سال‌هاسـت که همکاری لازم با سازمان آب منطقه‌ای را دارد و با اینکه مدیریت منابع آبی تهران به‌عهده سازمان آب منطقه‌ای است، به جهت اولویت نیاز آبی تهران بعضا آب خام اختصاصی بوسـتان‌های جنگلی ازجملـه چیتگر قطـع می‌گردد که ایـن موضوع در نگهـداری عرصه جنگلی بی‌تأثیر نیسـت، از طرفـی در هر عرصه جنگلـی، چه طبیعی و چه دست‌کاشـت، درختان عمر مفیدی دارند که پس از سپری‌شـدن آن بایستی اشجار این عرصه بهسـازی و جایگزین گردند که این مهم را مدیریت شـهری در کلیه پهنه‌های جنگلی سطح شهر تهران و ازجمله بوسـتان چیتگر با نهایت دقت و کیفیت به انجام می‌رسـاند. و در آخر اینکه باغ گیاه‌شناسـی واقع در منطقه ۲۲ نیز اعلام می‌گردد که عرصه مذکور به‌صورت محصور و مسـتقل در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی قـرار دارد و مدیریت شـهری در چگونگـی نگهـداری، بهره‌برداری و مدیریت آن دخالتی ندارد.

سیدکامران هاشمیون

مشاور اطلاع‌رسانی شهردار و مدیر روابط‌عمومی

سهم مترو در مرگ‌های مترو

عکس: تهران پرس

شـرق: از ابتدای سال‌های شـروع به کار مترو تا به حال، میزان و فراگیری خودکشی و حوادث مرگ‌آور در مترو تهران این‌قدر که امروز شـایع شـده، نبود و میزان مراقبت‌ها و تجهیزات و مأموران روی سکوها و دوربین‌ها هم بیشـتر از امروز نبود تا جلو بسیاری از اتفاقات را بگیرد. امروز، هم تجهیزات بیشتر شده، هم دوربین‌ها هم حوادث؛ در شرایط فعلی دیگر این حوادث و تصمیم‌ها به خودکشی، جوان و پیر و زن و مرد و مأمور مترو و مسافر عادی نمی‌شناسد.

تا چند سـال قبل که هنوز خودکشی‌ها زیاد نبود یا این‌قدر رسانه‌ای نمی‌شـد، روابط‌عمومی شرکت بهره‌بـرداری متـرو و مدیرعامـل وقتـش (جعفر ربیعـی) خبرنگاران رسـانه‌ها را توجیـه کرده بود که خبر خودکشـی در مترو، نوعی تبلیغ خودکشـی در این مـکان عمومـی را دارد و می‌تـوان با کمتر رسانه‌ای‌کردن آن، جلو تکثیر این احساس و تصمیم بـه مـرگ را گرفـت. به‌این‌ترتیب تا مدت‌هـا اخبار مربوط به خودکشـی در مترو منتشر نمی‌شد، اما این راه‌حل هم زمانی طولانی دوام نیاورد. مترو به اندازه کافی تردد شـهری و تبلیغات شهری و طرفدار بین مردم داشت و درعین‌حال به اندازه کافی گوشی‌های موبایـل و دوربین‌هـای آنهـا مجهز و دردسـترس بودند تا به‌جز رسـانه‌ها، خودشـان چنیـن اتفاقات ناخوشایندی را اطلاع‌رسانی غیررسمی کنند.

این‌گونـه بـود کـه در ادامـه، افراد مسـئول و غیرمسـئول مختلفـی درباره خودکشـی در مترو و آمار و دلایـل آن صحبت کردنـد و به‌دنبال راه‌حل افتادند، اما تاکنون راه‌حلی کشـف نشده و همچنان متـرو یکـی از جاذبه‌هـای آنـی برای بـه ته خط رسیده‌هاست. بر اسـاس آماری که دنیامالی حدود دو سـال قبل پـس از یک مورد خودکشـی در مترو اعـلام کرده بـود، تقریبا در هر ماه یـک نفر در یکی از ایسـتگاه‌های مترو تهران تصمیم به خودکشـی می‌گیـرد. بـا توسـعه در شـهر و افزایـش تعداد ایسـتگاه‌های مترو به همان اندازه و با اندکی تأخیر مشـکلات اجتماعی و اقتصادی و آسـیب‌ها هم در حال افزایش هسـتند و فرصت‌ها و انتخاب‌ها برای خودکشـی هم زیاد می‌شـوند؛ یعنی ممکن اسـت بغل‌دستی شـما در مترو و اتوبوس و پیاده‌رو وقتی صبـح از خانـه بیرون می‌آیـد چنیـن تصمیمی را داشـته باشـد و در مسـیر رسـیدن به مقصد خود، بالاخره در یکی از این ایسـتگاه‌ها به انتحار دسـت بزند و روز چند هزار شـهروند و کارکنان مترو و همه آنهایی که خبرش را می‌خوانند سیاه و دلگیر کند.

دیواری که باید باشد اما نیست

مهرماه ۸۹ خبر مرگ یک معلم زن نابینا در مترو همه را شـوکه کرد. تا قبل از مرگ ناراحت‌کننده این زن نابینا، چنین اتفاقاتی در مترو در اثر سهل‌انگاری و کمبـود امکانات یـا هر دلیل غیرعمـدی دیگری معمول نبود. پس از این مرگ ناخواسته، بررسی‌ها و صحبت‌های زیادی درباره دلایل این اتفاق و راه‌های جلوگیـری از تکـرار آن مطرح شـد. طبق معمول اعضای شورای شهر که درباره ایـن موضوعـات در جلسـات علنی سـخنرانی دارند، درباره این موضوع و ضرورت‌های آن هم صحبت کردند و گفتند مترو بایـد خیلی زود روی سـکوها درهای شیشـه‌ای را نصب کند که تـا قبـل از ورود قطـار به داخل ایسـتگاه و قرارگرفتن در کنار سـکو درهای آن باز نشود. هدف از این صحبت‌ها این بود که مردم تا قبل از ورود قطار به ایستگاه خواسـته و ناخواسته جلو قطار نیفتند. همان زمان مدیران مترو مسـئله تأمین مالـی چنین اقدام پرهزینه‌ای را مطرح کردند و گفتنـد درحالی‌که متـرو برای تأمیـن هزینه‌های پرسنل و برق و قطعات واگن‌ها و اساسا تأمین اعتبار برای خرید واگن‌های جدید مشـکلات عدیده دارد، نمی‌تواند چنیـن کاری را اجرائی کند. بعدها هربار که اتفاقی از این دسـت در مترو رخ می‌داد و کسی خودکشی می‌کرد یا ناخواسته به دلیل هر حادثه‌ای جلو قطار مترو قرار می‌گرفت، اعضای شورا پرونده این دیوارهای شیشـه‌ای هوشـمند را باز می‌کردند. به‌هـرروی در این سـال‌ها نـه دیوار شیشـه‌ای در ایستگاه‌های مترو سبز شد و نه منتحران و بداقبالان مترو تعدادشان کم شد.

با توسعه در شهر و افزایش تعداد ایستگاه‌های مترو به همان اندازه و با اندکی تأخیر مشکلات اجتماعی و اقتصادی و آسیب‌ها هم در حال افزایش هستند و فرصت‌ها و انتخاب‌ها برای خودکشی هم زیاد می‌شوند؛ یعنی ممکن است بغل‌دستی شما در مترو و اتوبوس و پیاده‌رو وقتی صبح از خانه بیرون می‌آید چنین تصمیمی را داشته باشد

نگوییم خودکشی، بگوییم برخورد با قطار

شـکل جدید اطلاع‌رسـانی درباره خودکشی‌ها در متـرو هـم این‌گونه شـده که در خبـر روابط‌عمومـی متـرو بـرای توضیح حادثـه رخ‌داده گفته می‌شـود که مثـلا «یکی از مسـافران در اثـر برخورد با قطار جان باخت». سؤال پیش می‌آیـد کـه مگر قطـار از کجا عبور می‌کند یا مگر مسافران در کجای سکو می‌ایستند که قطار با آنها برخورد می‌کند. این‌گونه بود کـه پس از مدتـی به‌جای اخبار خودکشی در مترو، تیترها به سـمت حادثه در مترو رفت و حالا چندماهی اسـت مسـافران و حتی کارکنان مترو با قطار مترو برخورد می‌کنند. براسـاس همین برنامه‌ریزی هدفمند یا غیرهدفمند که در هر صورت معمـول شـده، در چند مـاه اخیر چندیـن حادثه برخورد مسـافران مترو با قطار رخ داده که بررسی برخی از آنها لازم است.

کمتـر از یک مـاه قبل دختـر جوانی بـه دلیل ازدحـام مسـافران و بی‌احتیاطی، سـرش به قطار در حـال ورود به ایسـتگاه برخـورد می‌کند و فوت می‌شـود. دست‌فروشـان و حاضران کـه بعدها از حال بد آن روزشـان در ایسـتگاه شـادمان تعریف می‌کردند، می‌گفتند ایستگاه چندان هم شلوغ نبوده اسـت و همه از شـنیدن این ماجرا که کسی آن‌قدر جلو رفته باشد که سـرش به قطار بخورد، تعجب می‌کردند، اما مترو تهران در توضیح خود اعلام کرد که این مسـافر از خط زرد عبور کرده و دچار سانحه شده اسـت. به‌هرروی تاکنون علت مرگ این دختر خودکشی نبوده و مقصر اصلی، نبود دیوار شیشه‌ای اسـت! در همان روزها که این دختر دچار سـانحه شـد، پیرمردی در ایستگاهی دیگر دچار سانحه شد. در این مورد هم این مسـافر با قطـار برخورد کرد و فوت شد. دست‌فروشان و مسافران شاهد واقعه که در آن چند روز روحیه بدی داشتند و دائم درباره این موضوع صحبت می‌کردنـد، می‌گفتند آن پیرمرد را بارها در آن ایسـتگاه دیده‌اند. در این مورد بیشترین ظن به احتمال خودکشی می‌رفت و دیگر کسی هم سـراغ دلایل ماجرا نرفت. مورد دیگر از این دسـت حوادث همین چند روز پیش در ایسـتگاه چیتگر رخ داد و یکی از کارکنان مسـن ایستگاه با قطار برخورد کرد و جان باخت. در ایـن خبر روابط عمومی مترو هم نمی‌توان تشـخیص داد که خودکشی رخ داده یا نه چراکـه بالاخره اتفاق اصلـی برخورد با قطار رخ داده و توضیح روابط عمومی مترو هم درسـت است. به عبارتی مسئولان دلسوز مترو برای کاهش خطـرات در مترو به جای دیوار شیشـه‌ای یا تدابیر دیگـری کـه احتمال خطـر و نه لزوما خودکشـی را کاهـش دهد، بـه دنبال تغییـر در تعریف اتفاق رخ‌داده هستند.

متـرو به‌عنوان فضـای تعاملی جدیـدی برای شهروندان است که هنوز هم بسیاری از شهروندان تهرانی یا میهمانان آن شـناخت لازم را نسـبت به فضای داخلی و مقـررات و الزامات آن ندارند و به همین دلیـل اگر موضوع خودکشـی و احتمال آن را کنار بگذاریم، لازم اسـت مدیـران مترو و کارکنان داخلی آن که در تعامل مسـتقیم با مردم هسـتند، توجه بیشـتری به مسـافران داشته باشـند. شاید نتوان تصمیم به خودکشـی یک فرد را از بالای یک پل هوایی یا در یک ایسـتگاه متـرو متوقف کرد اما می‌توان با توجه و ایجاد فضای ایمن‌تر جلوی مرگ و ازدسـت‌رفتن زندگی یک فرد و تبعاتش برای یک خانواده و جامعه را گرفت.

من و اماس

اماس؛ مرض هزارویک چهره

مریم پیمان

● «تو اماس نداری. دروغ می‌گویی. می‌دانی هرروز نفرینـت می‌کنم کـه اماس بگیـری و نتوانی بلند شوی؟» وحشـت، ناراحتی و اضطراب ملغمه‌ای از احساسـاتی‌اند که با حرف‌هـای او در درونم به‌هم می‌پیچنـد. چهره زن میان‌سـالی کـه روبه‌روی من نشسته، با دختربچه مدرسـه‌ای سال‌های دور فرق زیادی نـدارد جز لایه‌هایی از آرایـش و رنگ. «بس کن!» فریاد او بر سـر فرزند چهارساله‌اش من را هم می‌ترسـاند و حسـرت مادرنبودن را بار دیگر در این سـاعتی که با هم بـه پارک آمده‌ایم بیـدار می‌کند. بلند می‌شـود و لنگان به‌سـوی پسـربچه ترسـیده می‌رود و او را تهدید می‌کند. همه حرف‌هایش برای من آشنا و دردآورند؛ علائم مشـابه، دردهای شبیه، عوارض داروها و مشـکلات بیماری، اما او نمی‌تواند راه برود. یاد روزهای تلخ سِـربودن پاهایم می‌افتم. آخرین‌بـار همین یک ماه پیش بود که احساسشـان نکـردم. چـه لحظه‌های تلخـی بودنـد؛ تنهایی و بیماری. همسـرش با او درگیر است و در کشمکش بیماری همراهی نمی‌کند. با خودم فکر می‌کنم شاید همسـرش بیماری را بهانه کرده است. «لطفا دیگر ننویس! شـوهرم وقتی نوشـته‌هایت را می‌خواند و می‌بیند سالم هسـتی و مشکل ظاهری نداری با من درگیر می‌شـود و می‌گوید من دروغ می‌گویم». دیگر حرف‌هایش را نمی‌شنوم. اختلاف‌های چندین‌لایه‌ای یک خانواده من را در گذشته فرو می‌برد.

«تو اماس نـداری. داری تخیـل می‌کنی. زندگی خودت را با این بیماری ساختی. می‌خواستی متفاوت باشـی و توجه دیگـران را جلب کنـی». بهتر از او و هرکسـی می‌دانم این بیماری چرا و کی در من ایجاد شد، اما دلم می‌خواهد به همین صراحت هم بدانم که کی از من جدا می‌شـود. چهره تکیده و جدی این مرد شـباهتی به انتظارم از او ندارد. فکر می‌کردم با مردی مهربان‌تر مواجه خواهم شـد. از پشـت نقاب صـدای تلفنـی و واژگان اینترنتی تصویـر او واقعی نبود. دربـاره حمله‌های سـه‌گانه‌اش حرف می‌زند. با دسـتان و چشمانش هم مشـکل دارد. به سمت میز خـودش را به‌زور جلو می‌کشـد. چـرخ ویلچر همراهی‌اش نمی‌کنـد. «باید فراموش کنی و زندگی جدیدی برای خودت بسازی». من را نصیحت می‌کند تا از این روزهای پژمرده پاییزی دور شـوم و به زندگی عادی برگردم. از او خجالت می‌کشـم. همه اعضای بدنش درگیرند و با امید، جدیت و شـادی می‌خواهد به من کمـک کند. علائم بیماری بیـش از حد در او دیده می‌شود. «لطفا دیگر ننویس! وقتی نوشته‌هایت را می‌خوانم، ذهنم به‌هم می‌ریزد. در ظاهر شـادی و سـالم و در نوشـته‌هایت به ویران‌شـده‌ای تبدیل می‌شوی و بیمار. با دو آدم متفاوت مواجه می‌شوم». «من بیمـارم؟» جرعه‌ای چای داغ سـر می‌کشـم. گلویم لحظه‌ای سـوزش شـیرینی را تجربه می‌کند. عفونت خون به گلو رسـیده اسـت و بعد از سال‌ها سرما خورده‌ام. از گیجی آنتی‌بیوتیک خسته‌ام. زمان و تمرکـزم را بـه هیچ قیمتی نمی‌خواهم از دسـت بدهم. شاید فردا تار هم نبینم، چه برسد به راه رفتن. اماس، هـزار چهره در لحظـه دارد؛ از پای ناتوان زن تا قدم‌زدن‌های پاییزی‌ام، از ویلچرسواری پرهیاهوی مرد تا سـلامت ظاهری‌ام با چشـم‌هایی تار، اما این درد بیش از ۲۰ نوع دارد که در چهار دسـته خلاصه می‌شـود؛ خوش‌خیم، عودکننـده و فروکش‌یابنده، پیش‌رونده ثانویه و پیش‌رونده اولیه.

مرامی‌سواری

۱۰ نکته برای نوشتن سفرنامه جذاب (۱)

ارشاد نیک‌خواه

● **«مقصد یک مسـافر هیچ‌وقت یک مکان نیست، بلکه دریچه جدیدی برای نظاره‌کردن اطراف است».**

«هنری میلر»

یک سـفرنامه خوب اونیه که خواننده با خوندن (یا دیدنش) حس کنه باهات اومده سفر. باید خواننده حس کنه اونجاست و وسـط مکالمه شما با آقای راننده قرار گرفته و برای اینکه یک سفرنامه‌نویس خوب بشی باید از قبل خودت رو براش آماده کنی. قبل از اینکه به جاده بزنی تصمیمت رو بگیر که می‌خوای به‌عنوان یک مسافر بری سفر یا به‌عنوان یک سفرنامه‌نویس. نکته‌هایی که ایـن زیر براتون آوردم یا تجربیات خودمه یا چیزهایی که این‌ور اون‌ور توی اینترنت پیدا و براتون ترجمه کردم:

۱) نکتـه اول اینکه ادبیات متن سـفرنامه‌ت باید مال خودت باشـه. سعی نکن از سـبک نوشتاری خاصی تقلید کنی. پیشنهاد من اینه: همون‌جوری که قصه رو برای رفیقت تعریف می‌کنی بنویس. سعی نکن کتابی و رسمی بنویسی. سعی نکن مثل یکی دیگه بنویسی. سـفرنامه‌ت بخشـی از کاراکتر تویـه و ادبیاتت هم بخشی از سفرنامته. پس خودت رو طبیعی و اورجینال بنویس. به متنت، شـخصیت خـودت رو اضافه کن. دریچـه نگاه و نظرات خـودت رو وارد متنت بکن و با ادبیات طبیعی خـودت اون‌ها رو روی کاغذ پیاده کن. منظورم رو متوجه شدی؟ ایول.

۲) به سـفرت یه زاویه دید بده. بـه خواننده بگو کی هسـتی و چه‌جـوری در چـه نقشـی داری اونجا رو می‌بینی. خیلی زود این قضیه رو توی متنت مشخص کن. سفرنامه‌ات که قرار نیست فقط یه سری توصیفات باشه با معرفی یه سری جاهای دیدنی. مثلن «همیشه دوست داشتم پاریس رو از نزدیک ببینم» شروع خوبی برای سفرنامه‌ت نیست. شاید این شروع بهتری باشه: «برای آدم احساساتی و عاشق‌پیشه‌ای مثل من، پاریس همیشه من رو انگولک کرده که برم و توی خیابون‌های پر از رومنسـش گم بشم». بهترین نیست، ولی حداقل خواننـده می‌فهمه چجـوری پاریـس رو می‌بینی و خودت چجور آدمی هستی.

۳) تا جایی که می‌تونی از توصیفات بصری اسـتفاده کن. نکته اینجاسـت که خواننده نمی‌دونه تو کجایی. اون که توی مغز تو نیسـت. به خاطرات بصری تو هم دسترسـی نداره؛ بنابراین تا جایی که ممکنه محیط رو خوب و واضح توصیف کن. یه‌جوری توصیف کن انگار داری برای یک نابینا توصیفش می‌کنی. اینکه بگی یک سـاختمونِ «قدیمی» بود که کافی نیسـت. رنگ‌ها و نمای ساختمون رو توصیف کن و بگو پنجره‌ها حکاکی اسـتادانه‌ای داشـت و اون خانم پیری که طبقه دوم روی بالکن نشسـته بود و لبخند می‌زد. بین نوشته پر از جزئیاتِ مهیج رنگارنگ و نوشته مفصلِ پرطمطراقِ چرندپرنـد مرز باریکیـه. ولی بهتره اگـه قراره چیزی بنویسـی به سمت نوشـته مفصل و چرندپرند تمایل داشته باشه تا به سمت خالی و بدون توصیفات.

۴) سـفرنامه بایـد یه چیـزی بیشـتر از Wikipedia و Lonely Planet دسـت خواننده بده. خواننده می‌تونه همون اطلاعاتی که شما نوشتید رو از اینترنت هم پیدا کنه. پس شـما باید علاوه بر اونها توضیحاتی رو بدید. پـس جاهایی برو که همه نمـی‌رن و وجه متفاوتی از مقصدی که می‌ری رو معرفی کن تا سـفرنامه‌ت خفن و متمایز بشه.

شش نکته بعدی مونده؛ فعلن روی این چهارتا کمی تمرین کنید تا دوباره بیام سراغ‌تون.

جدول ۲۶۶۸ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بـز کوهی- نویسـنده سرشـناس ادبیات پرتغـال و خالق رمان «شـهر کورهـا» ۲- طلق نسـوز- سـمت راسـت- بی‌صـدا ۳- بدزبان و بی‌حیا- گـروی- دل آزردگـی ۴ - واحدی برای اندازه‌گیـری طـول- قدرت- سـارق ۵- خالی از محتوای واقعی و حقیقی- گیشـه بلیت‌فروشی- مـادر ورزش‌هاسـت ۶- امر به رفتـن دارد- نام تعـدادی از فراعنه مصر قدیم- نوعی اجاق برقی ۷- پرنـده‌ای نـوک‌دراز- صحرا- نماز وحشـت ۸- سـختی و مشـقت- ریشـه احکام اسلامی- بردبـار ۹- کلمـه تأیید خارجی- معشـوق- فلز گلولـه ۱۰- می‌گویند چاقو هرگـز آن را نمی‌برد- رفیق منحـرف و گمراه- یـازده ۱۱- درخت زبان گنجشـک- فریاد شـادی- فاقد جای ثابت برای کسـب‌وکار ۱۲- عقیده- سالک- منکر وجود خدا ۱۳- تشنه فریب- کلاه پادشاهی- معروف‌ترین پل خط راه‌آهن شمال کشور ۱۴- رهایی- تولیدکننده- زاییـدن ۱۵- از بزرگ‌ترین قصیده‌سـرایان شـعر فارسی در قرن ششم- چاشنی غذایی.

عمودی:

۱- گنجه لباس- حالتی غیرمنتظره و غیرقابل اجتناب- بـرادر عرب ۲- پـول ایتالیا- رفت‌وآمد زیـاد- دشـنام ۳- کلمه پرسشـی- ایسـتاده و بی‌حرکـت- زین و برگ اسـب ۴- مـاده غذایی دریایـی گران‌قیمـت- لامپ‌هـای تزیینی به هم وصل شده- به‌جاآوردن ۵- جانشینی- ماشین مولد برق ۶- نگاه مخفیانه- از ابزار زراعی ۷- جملگی- مأمور تشـریفات عصر صفوی- طمأنینه ۸- ظرفی بـرای پذیرایی- پاک و منزه- فراوانی ۹- دندان‌های نیـش- عیـب و نقص- تک‌نـوازی در موسـیقی ۱۰- رهن‌دهنـده- نوعی آش نذری ۱۱- کسـی که از اداره یا سـازمان دولتی بیرونـش کرده‌اند- عدد ۱۲- لوازم منزل- دشـنام‌گو- سعادت و خوشبختی ۱۳- بزرگوارتر- حرف اول و آخر را در اداره می‌زند- اثرگذار ۱۴- تذکر و یادآوری- نیکوکاران- یک‌ششم ۱۵- مجموع دانه‌های پنبه و تارهای آن- باغ زیبا و دیدنی یزد - خسیس.

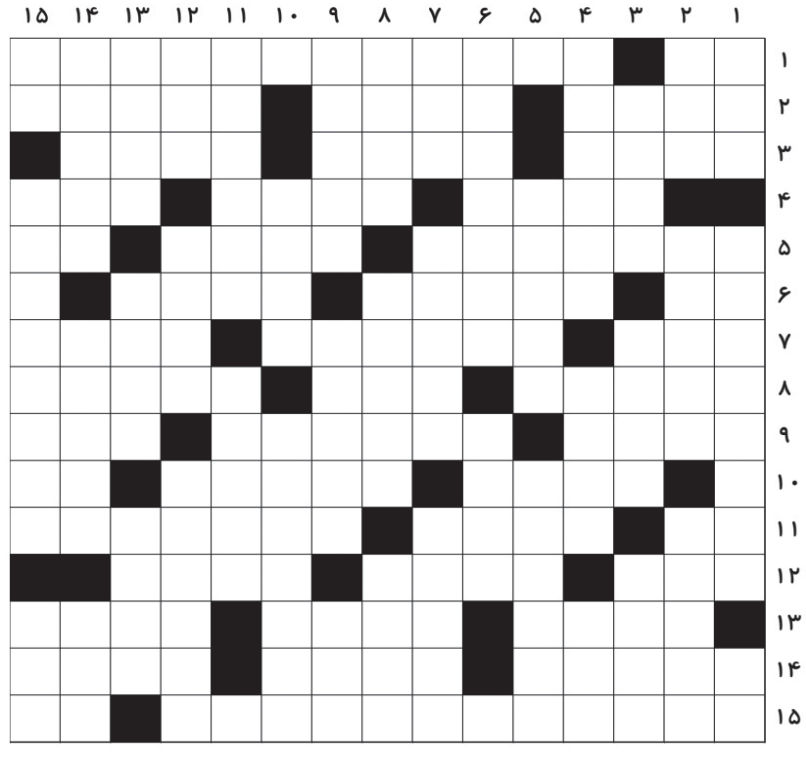

حل سودوکو سخت

۹	۷	۳	۴	۱	۵	۶	۲	۸
۶	۲	۵	۸	۳	۹	۴	۱	۷
۸	۴	۱	۷	۲	۶	۵	۳	۹
۱	۶	۲	۹	۸	۳	۷	۴	۵
۵	۳	۸	۲	۴	۷	۹	۶	۱
۷	۹	۴	۶	۵	۱	۲	۸	۳
۳	۸	۶	۵	۷	۲	۱	۹	۴
۲	۱	۷	۳	۹	۴	۸	۵	۶
۴	۵	۹	۱	۶	۸	۳	۷	۲

حل سودوکو ۱۶۶۴

۷	۸	۶	۹	۵	۳	۴	۱	۲
۲	۴	۱	۸	۷	۶	۳	۹	۵
۵	۳	۹	۲	۱	۴	۸	۷	۶
۱	۲	۸	۵	۶	۷	۹	۴	۳
۳	۹	۷	۱	۴	۲	۶	۵	۸
۶	۵	۴	۳	۸	۹	۷	۲	۱
۸	۶	۲	۷	۹	۵	۱	۳	۴
۹	۱	۵	۴	۳	۸	۲	۶	۷
۴	۷	۳	۶	۲	۱	۵	۸	۹

جدول ۲۶۶۷

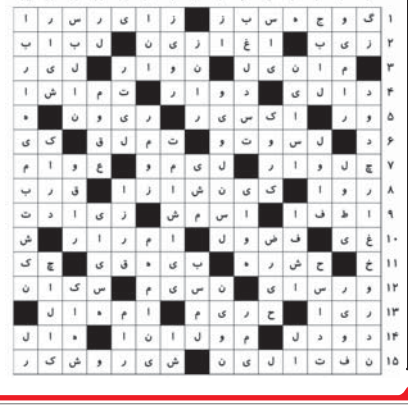

سودوکو سخت ۱۶۶۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹						۲	۵	
				۷	۹			۳
	۴			۵		۸		
۶		۵			۲			۱
		۷	۱				۶	
		۴	۳				۹	۲
	۵	۹						۴
۸					۷	۶	۱	
	۱	۶		۲				

سودوکو ۱۶۶۵

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

				۴		۵		
					۸	۲	۷	
۷		۵	۹				۶	
	۱						۵	۲
۸	۲		۷				۱	
		۴			۳	۹	۸	
				۳		۱		۷
					۵	۶		۹
۶	۹					۸		